

کارشناسان پژوهش: حجج اسلام روح‌الله صدوق، محمدصادق حیدری، احمد زیبایی‌نژاد، حسن صدوق، محمدجواد آقایی و آقای حامد رضایی‌پور

۱. دو شاخصه ضروری در نظم‌دهی منطقی ابواب کتاب مکاسب: الف) شمولیت نسبت به عناوین کلی کتاب مکاسب محرمه؛ ب) عدم مخالفت با روایات ضوابط کلی کسب

در جلسه گذشته پیشنهادهای بابت نظم‌دهی ابواب کتاب مکاسب محرمه مطرح شد. استدلال مطرح شده برای پیشنهاد اول (نوع الف)، از یک سو ناظر به روایت تحف العقول بود که در همان ابتدای روایت، تمام انواع کسب را به دو بخش «حرام و حلال» تقسیم کرده است و از سویی دیگر ناظر به عناوین ابواب مطرح شده در کتاب مکاسب است؛ زیرا مرحوم شیخ در دسته‌بندی مکاسب محرمه، عناوینی همچون: «ما لایقصد من وجوده علی نحوه الخاص الا الحرام» و «ما یقصد منه المتعاملان المنفعة المحرمه» را ذکر کرده‌اند. یعنی علی‌رغم اینکه فقها «قصد امثال» را در معاملات دخیل نمی‌دانند اما آقایان با استناد به روایات، «قصد حرام (غیر امثال)» را علت حرمت بخشی از معاملات قرار داده‌اند.^۱ پس به نظر می‌رسد برای نظم بخشی منطقی (سلب و ایجابی) به کل عناوین کتاب مکاسب، طبقه‌بندی انواع کسب حرام با حیثیت تقسیم «دخیل بودن قصد بعد در کسب و عدم آن» مؤثر خواهد بود؛^۲ یعنی این پیشنهاد، مدعی بیان «ضابطه و مناط» برای انواع کسب‌های حرام است. البته حداقل چیزی که برای قبول این ضابطه نیاز است عدم مغایرت با روایات این باب است؛ گرچه اگر ادعای استنباط این ضوابط و مناط از روایات شده باشد، مطلوبیت حداکثری خواهد داشت.

ضمناً براساس این ضابطه پیشنهادی، احتمالاً بسیاری از استثنائات ابواب مختلف (که ذیل عناوین ابواب کتاب مکاسب ذکر شده است) موضوعاً منتفی شود و در ذیل این ضابطه جدید جا پیدا کند. البته در ارایه پیشنهاد جدید باید

۱. زیرا برای شهروند جامعه اسلامی که همیشه و در هر فعل خود به صورت عام، باید قصد و نیت تقرب داشته باشد، هر معامله‌ای که به این نیت عام او ضربه وارد کرده و او را به فرهنگ جامعه کفر نزدیک کند، حرام شده است؛ به عبارت دیگر، اینکه شارع مقدس «قصد امثال» را به عنوان یک شرط خاص برای معاملات در نظر نگرفته است این احتمال وجود دارد که علت آن، امکان معامله مؤمنین با کفار و منافقین باشد تا از این طریق، از آنها دستگیری کرده و به هدایت دعوت کنند. اما این طریق ارتباط با کفار و منافقین، نباید باعث کمرنگ شدن مرزبندی جامعه ایمان با جامعه کفر یا از بین رفتن این مرزبندی شود یا امور حرام، جامعه ایمانی را به سمت جامعه‌ی کفر سوق دهد، لذا شارع مقدس کسب‌هایی را (یا با اشتراط قصد یا بدون اشتراط) حرام کرده تا این اتفاق نیافتد. احتمال دیگر برای علت «عدم قصد امثال» در معاملات این است که اموال و درآمد کفار تازه مسلمان شده غیرمشروع نشود البته اگر براساس ضوابط و قوانین آیین و نظام خود انجام شده باشد؛ همانند به رسمیت شمردن نکاح مرد و زن کفار تازه مسلمان شده از طرف شارع مقدس.

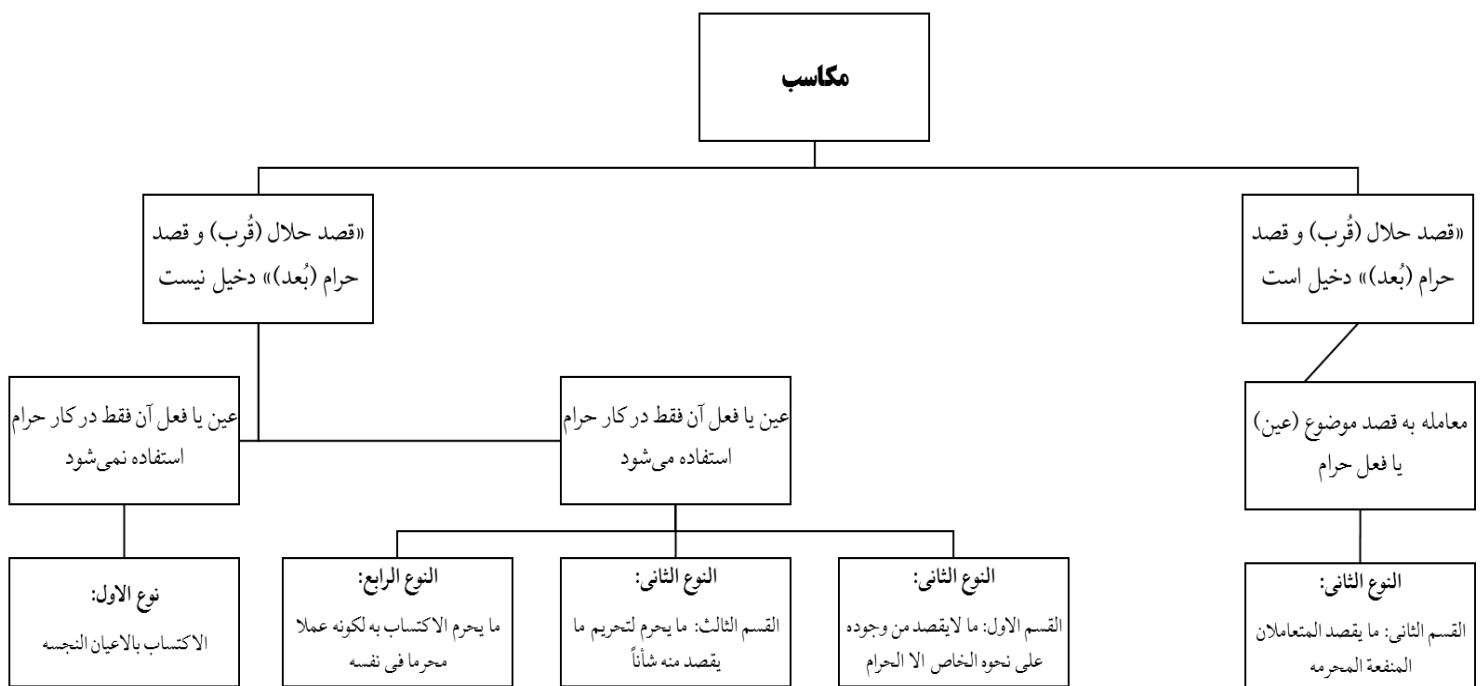
۲. البته برای تفاهم بیشتر با ارتکازات فقها، در این نظم‌دهی پیشنهادی عبارت «دخیل بودن قصد حرام یا حلال» جایگزین عبارت «دخیل بودن قصد بعد یا قرب» می‌شود.

توجه داشت عناوینی که مرحوم شیخ در کتاب مکاسب آورده، به دلیل اجماعی نسبی مشهور فقها نسبت به آنها نباید کنار گذاشته شود لذا هر نظم‌دهی جدید باید درصدد جادادن حداکثری این عناوین باشد.

همچنین باید توجه داشت اگر پیشنهادی در این چارچوب مطرح گردد و لوازمات استدلالی آن قوی باشد، احتمال «تأسیسی» بودن ابواب معاملات و مکاسب تقویت خواهد شد.

۲. چگونگی شمولیت عناوین کلی کتاب مکاسب محرمه در نوع «الف» از پیشنهاد اول (نظم‌دهی منطقی)

براساس نوع «الف» از پیشنهاد اول، نظم‌بخشی منطقی عناوین ابواب کتاب مکاسب محرمه به صورت ذیل می‌باشد:



۲/۱. خروج موضوعی «نوع الثالث» (مالا منفعة فيه محلله معتدا بها عند العقلاء) از بحث اکتساب و معاش

در این پیشنهاد، «نوع الثالث» کتاب مکاسب محرمه (مالا منفعة فيه محلله معتدا بها عند العقلاء) موضوعاً منتفی می‌شود زیرا اموری که هیچ منفعت عقلایی برای استفاده ندارند در موضوع اکتساب و امرار معاش مردم قرار نمی‌گیرند تا شارع مقدس بخواهد حکم حلال یا حرام بر آن فرض نماید لذا آوردن این عنوان در تقسیمات «مکاسب» فرض عقلایی ندارد و موضوعاً خارج از بحث کسب درآمد است. به عبارت دیگر، بحث مکاسب محرمه درباره اموری است که بالقوه احتمال عقلایی برای کسب درآمد آنها باشد و اموری که «مالا منفعة فيه محلله معتدا بها عند العقلاء» اصلاً موضوع معایش قرار نمی‌گیرند تا در قدم بعد، بحث از کسب آن‌ها مورد اهتمام باشد و درباره حرمت یا حلیت آن حکم شود.

بعضی از فقها برای این قسم، «بیع حشرات» را مثال آورده‌اند که درباره این نوع مثال باید توجه داشت که اگر بیع حشرات، هیچ منفعت عقلایی «معتدبه» نداشته و اصلاً فرض معاش با آن منتفی باشد، به طریق اولی اکتساب با آن موضوعاً منتفی است. اما اگر منفعت عقلایی داشته باشد تازه باید بررسی نماییم که ذیل کدام یک از عناوین پیشنهادی مکاسب محرمه قرار می‌گیرد و اگر ذیل هیچکدام قرار نگرفت، اکتساب با آن حلال است.

۲/۲. ضرورت تعیین وضعیت برای «نوع الخامس» (ما یجب علی الانسان فعله) بعد از بررسی تفصیلی متن کتاب

اما درباره نوع الخامس (ما یجب علی الانسان فعله)، به علت اختلاف اقوال در تعریف و حکم آن (که در کتاب مکاسب محرمه نیز آمده است)، بعد از نقد و بررسی تفصیلی متن این قسمت از کتاب مکاسب محرمه تعیین وضعیت خواهد شد.

۳. احتمال دیگر در نظم‌دهی عناوین کلی کتاب مکاسب محرمه

۳/۱. وابستگی حرمت مکاسب به حرمت «معایش» و «نفسی و غیری» بودن حرمت معایش و مکاسب

احتمال دیگری در نظم‌دهی منطقی ابواب مکاسب محرمه مطرح شده است که مبتنی بر چند پیش‌فرض است: اولاً براساس روایات، هر چیزی که خوردن، پوشیدن، مرکب و... آن در معیشت و زندگی حرام باشد کسب آن نیز حرام است.^۱ پس به نظر می‌رسد عبارت «صلاح و فساد محض» در روایت تحف العقول، لازمه «معیشت» است که به «کسب» نیز سرایت پیدا می‌کند.

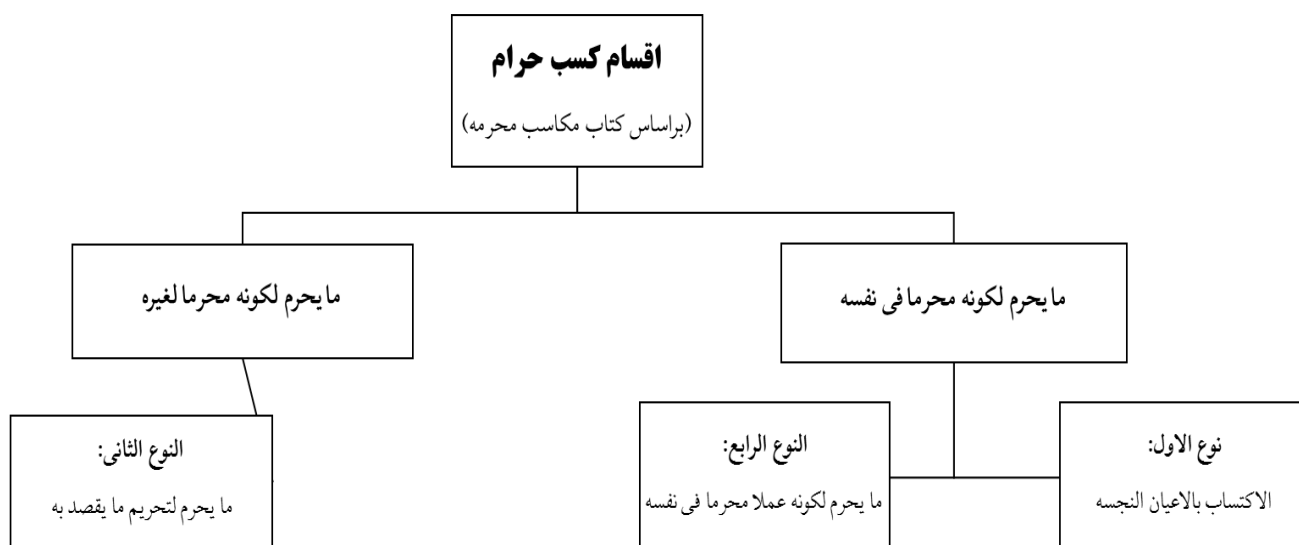
ثانیاً همه محرمت‌های معاش یک شکل نیستند؛ زیرا بعضی از امور، ذاتاً و به‌نفسه حرام هستند مانند: خون و مشروب؛ و بعضی امور، بخاطر امر دیگری حرام شده‌اند؛ مانند: شیء متنجس. ثالثاً با توجه به مقدمه اول، حرمت همه مکاسب محرمه، «بالغیر» است و اگر به آن نسبت «نفسی و غیری» می‌دهیم به اعتبار متعلقش (معاش) است نه خود فعل. بر این اساس، رابطه بین «معایش» با «کسب» به صورت ذیل می‌شود:



۱. در روایت تحف العقول آمده است: «...كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنَّهُی عَنْ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَ مَلِكِهِ وَ إِسْكَاهِهِ وَ التَّقَلُّبِ فِيهِ بِوَجْهِ مِنَ الْوُجُوهِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ فَجَمِيعُ تَقَلُّبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ...».

۳/۲. چگونگی شمولیت عناوین کلی کتاب مکاسب محرمه در این احتمال

حال براساس مقدمات فوق، می‌توان عناوین کتاب مکاسب محرمه را به صورت ذیل نظم منطقی داد:



۳/۳. نقد و بررسی این احتمال در نظم‌دهی منطقی و شمولیت نسبت به عناوین کتاب مکاسب محرمه

در بررسی این احتمال چند نکته مطرح می‌شود:

اولا در روایت تحف العقول و محدث نعمانی، معایش و مکاسب از هم تفکیک نشده است؛ لذا اصل بیان دوئیت این دو در اینجا و سپس ادعای ارتباط آنها، خیلی موضوعیت ندارد. ثانيا اگر هر چیزی که در معاش حرام است در کسب نیز حرام باشد، دیگر عملا تقسیم کسب به «نفسی و غیره» بی‌معناست زیرا هر چیزی در معاش حرام است چه به نفسه باشد و چه بالغيره، در هر دو صورت کسب آن نفسا و ذاتا (یعنی نفس و ذات اکتساب با آن) حرام است.

ثالثا چون معنای نفسی در این پیشنهاد، به «معاش» بازگشت دارد، «اکتساب به اعیان نجسه» نباید ذیل قسم «بالنفسه» قرار بگیرد زیرا بنابر فتوای فقهای متأخر و بعضی از قدماء، استعمال اعیان نجسه در بعضی از امور (مانند کود دادن) جایز است. (گرچه در حرام بودن اکتساب با آن، اجماع فتوایی است)

رابعا بعد از تقسیم مکاسب به «نفسی و غیره»، چرا این دو قسم یا یکی از آنها دوباره با روش «سلب و ایجابی» تقسیم نشده است؟! اگر این کار صورت نگیرد عملا باید این پیشنهاد قایل باشد کل مکاسب محرمه فقط «دو نوع» است و پنج نوع مکاسب محرمه مرحوم شیخ را قبول نداشته باشد که در این صورت باید استدلال آن آورده شود.

خامسا در این پیشنهاد، کل نوع الثاني کتاب مکاسب محرمه ذیل حرام‌های غیره قرار گرفته است در حالی که قسم اول و قسم سوم از نوع الثاني (یعنی «ما لایقصد من وجوده علی نحوه الخاص الا الحرام» و «ما یحرم لتحریم ما یقصد منه شأناً») حرام‌های «نفسی» هستند؛ زیرا هر نحوه استعمال بت یا آلات لهو ذاتا حرام هست یا دادن سلاح به دشمنان اسلام ذاتا حرام است چه از طریق فروش و چه بدون این فروش.